توسعه مالی، رقابت، تجارت و رشد اقتصادی در بازار سرمایه ایران

چكيده

یکی از اهداف اصلی همه نظام­های اقتصادی، تحقق رشد و توسعه اقتصادی است. در این راستا، الگوهاي مختلف رشد اقتصادي به ویژه الگوهاي رشد نئوكلاسيك، تفاوت در عملكرد اقتصادي كشورها را ناشي از تفاوت در عوامل اقتصادي نظير سرمايه (فيزيكي و انساني) و بهره­وري مي‌دانستند، اما تفاوت در انباشت سرمايه و بهره­وري خود ريشه در عواملي دارد كه اقتصاددانان نهادگرا آن را ساختار نهادي هر كشور معرفي مي‌كنند. امروزه علاوه بر اطلاعات مالي ارائه شده، گروه‌هاي مختلف، متقاضي اطلاعات مازاد ديگري در زمينه‌ي اطلاعات غير مالي مي‌باشند. اين گروه‌ها، خواهان اطلاعات متفاوتي در زمينه نيروي کار و مسائل مرتبط توسعه مالی و رقابت مي‌باشند. انجام امور مرتبط با اين مسائل توسط شرکت‌ها، و افشاي آن براي استفاده‌کنندگان، هزينه‌هايي را به شرکت‌ها تحميل، و منافعي را نيز براي آن‌ها به همراه دارد.

هدف: اين پژوهش با هدف بررسي رابطه بين تغييرات سطح افشاي مسائل رقابتی و توسعه مالی، بر شاخص‌هاي سودآوري، و ارزيابي عوامل اقتصاد کلان و بورس اوراق بهادار بر مسئوليت‌پذيري اجتماعي شرکت‌ها انجام شده است.

روش­شناسی: اين پژوهش به روش توصیفی با استفاده از داده‌هاي مستخرج از صورت‌هاي مالي براي سال‌هاي 1382 تا 1394 انجام گرفته است.

یافته­­ها: براي آزمون فرضيه‌ها از مدل رگرسيون چندگانه در قالب داده‌هاي تابلويي استفاده شده، و با روش اثرات ثابت مورد تجزيه و تحليل قرار گرفته‌اند. نتايج حاصل از آزمون فرضيه‌هاي اين پژوهش نشان داد، بین توسعه مالی و رشد اقتصادی، بین تجارت و توسعه اقتصادی و بین تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رابطه معناداری وجود دارد همچنین نتایج بررسی‌ها نشان داد بین رقابت و توسعه اقتصادی رابطه معناداری وجود ندارد.

واژه‌هاي كليدي: توسعه مالی، رشد اقتصادی، تجارت، رقابت.

# مقدمه

رشد اقتصادی عبارتست از درصد تغییر در تولید ناخالص ملی واقعی یا تولید ناخالص داخلی واقعی در یک سال خاص در مقایسه با مقدار آن در سال پایه که منابع اصلی آن نهاده های اولیه تولید (سرمایه و نیروی کار) و بهره وری عوامل تولید می باشد البته عوامل مهم دیگری از جمله درجه باز بودن اقتصاد، پیشرفت تکنولوژیکی در قالب سرمایه گذاری مستقیم خارجی، سرمایه انسانی(نیروی کار آموزش دیده)، پژوهش و توسعه، تورم سیاستهای پولی، مالی و ... بر روند رشد اقتصادی موثر هستند(غفاری و اکبری، 1391). امروزه اکثر کشورهاي در حال توسعه به دنبال دسترسی به امکانات و روش ها و ابزارهایی براي رسیدن به رشد اقتصادي بالاتر و پایدار می باشند، از جمله این روش ها می توان توسعه بازارها و نهاد هاي مالی را نام برد. زیرا توسعه بیشتر بازارها و نهاد هاي مالی امکان مشارکت گسترده تر گروه هاي فقیر و کم درآمد جامعه را در فعالیت هاي اقتصادي فراهم می آورد و باعث مشارکت توده هاي بیشتر جمعیت در افزایش تولید جامعه می شود. اما توسعه نیافتگی بازار هاي مالی در کشور هاي در حال توسعه استفاده از این ابزار را براي گروه هاي کم درآمد با ریسک قابل توجهی همراه نموده است، زیرا به دلیل وجود بازار هاي مالی ناقص و ناکارآمد در این کشورها از یک طرف تعداد کثیري از افراد امکان دسترسی مالی را ندارند و از طرف دیگر نیز تجهیز منابع و پس اندازها به شکل کاملا مناسبی صورت نمی گیرد. با وجود چنین ساختار مالی ناکار آمدي فرایند انباشت سرمایه به تأخیر می افتد، زمینه هاي ایجاد فرصت هاي جدید شغلی محدود گشته و هزینه استفاده از منابع مالی به شدت افزایش می یابد. همچنین به علت عدم توان کافی نظام مالی براي تخصیص پس اندازها به سرمایه گذاري هاي مولد، این پس اندازها به شکل سرمایه گذاري هاي غیر مولد (زمین، طلا و ...) در می آیند.در این شرایط در قالب نظریات ارائه شده تاکنون روشها و ابزار هاي مختلفی براي دستیابی به رشد اقتصادي مطرح گردیده است. (بازمحمدی، 1393). یکی از مهمترین این ابزارها توسعه بخش مالی می باشد. نظریه هاي رشد کلاسیک­هاي جدید (لوکاس، رومر، ریبلو، گراسمن وهلپمن) نیز بر اهمیت تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادي تأکید کرده و معتقدند که کارکرد هاي مالی از دو کانال، نرخ انباشت سرمایه و نرخ ابداعات تکنولوژي بر رشد اقتصادي تأثیر می گذارند. از طرفی بررسی وضعیت متوسط درآمد سرانه نشان می دهد که در بین کشور هاي عضو اوپک طی چند سال اخیر علی رغم بالا بودن نرخ سرمایه گذاري، نسبت به کشور هاي در حال توسعه غیر نفتی، از نرخ رشد اقتصادي پائینی برخوردار بوده اند و این امر به مسئله اي قابل تأمل و بحث برانگیز در این کشورها تبدیل شده است (ترابی و همکاران، 1389). پژوهش هاي علمي نشان مي دهند که بازارهاي مالي مي توانند نقش مهمي در رشد اقتصادي بازي کنند. سيستم کاراي مالي، سرمايه را از پس اندازکنندگان به وام گيرندگان انتقال مي دهد و منابع را به سمت پروژه­هاي سرمايه گذاري مولد و سودده هدايت مي کند. هر قدر بهره­وري سرمايه گذاري بيشتر باشد، نرخ رشد اقتصاد نيز بيشتر خواهد بود. استيگليتز (1994) معتقد است که بازارهاي مالي مغز سيستم اقتصادي و کانون اصلي تصميم گيري هستند و چنانچه اين بازارها با شکست و نارسايي مواجه شوند، عملکرد کل سيستم اقتصادي آسيب خواهد ديد.بخش مالي از بازارهاي گوناگوني شامل بازار پول و سرمايه تشكيل شده است. اهميت توسعه بخش مالي كشور از آنجا نشات مي گيرد كه بخش مالي كارآمد، نقشي اساسي در تجهيز منابع مالي براي سرمايه گذاري، تشويق ورود و تجهيز سرمايه خارجي و بهينه سازي ساز و كار تخصيص منابع ايفا مي كند. نظام مالي كنوني ايران يك نظام مالي محدود شده است. نظام مالي تحديد شده با كنترلهاي بيش از حد همراه است. آزادسازي مالي با تحقق تعميق مالي و توسعه مالي موجبات آمادگي بازارهاي مالي داخلي را براي رقابت با بازارهاي مالي خارجي (چه در داخل و چه در خارج از كشور) در صورت گشايش متقابل بازارهاي مالي داخلي و خارجي به روي يكديگر، فراهم مي­آورد(مهدوی و بابایی، 1394).آزادسازي مالي، تمامي اجزاي نظام مالي (اعم از بازارهاي مالي، نهادهاي مالي و سياستهاي پولي، مالي و ارزي) را در برميگيرد. البته براي اجراي آزادسازي مالي راهبرد بهينه منحصر بفردي وجود ندارد و کشورها مي توانند با توجه به ساير ابعاد اقتصادي خود الگوي مناسب خود را بازسازي کنند.گشودن بازارهاي مالي داخلي به روي خارجيان پس از آزادسازي مالي موفقيت آميز، نه تنها به جذب عناصر اقتصاد جهاني در داخل مي انجامد، بلكه زمينه حضور ارايه دهندگان داخلي خدمات مالي را در بازارهاي بين المللي تجارت خدمات مالي فراهم كرده و گامي به سوي توسعه صادرات نيز باشد(تسکین[[1]](#footnote-1) و زعیم[[2]](#footnote-2) ،2000).

توسعه مالی

سرمایه گذاری مستقیم خارجی

مصرف انرژی

رقابت

رشد اقتصادی

نمودار 1: رشد اقتصادی تحقق یافته

از طرفی اغلب محققان بر این باورند که عواملی نظیر رشد اقتصادي، مصرف انرژي، تجارت خارجی و رشد جمعیت نقش تعیین کننده اي در گسترش رقابت بر اثر توسعه مالی دارند؛ که در این میان، رشد اقتصادي یکی از عوامل مهم در خصوص منبع و منشأ رقابت معرفی شده است؛ زیرا افزایش رشد اقتصادي علاوه بر استخراج بیشتر از منابع طبیعی، را در پی دارد که موجب افزایش رقابت در بازار سرمایه می گردد. بنابراین با تجمع سرمایه در مراحل اولیۀ توسعه اقتصادي، رقابت نیز افزایش می یابد و با رشد درآمد سرانه و حرکت اقتصاد از بخش صنعتی به خدماتی و استفاده از نیروي انسانی به جاي سرمایه، سرمایه گذاری نیز افزایش می یابد. در یک نگاه کلی در فرایند توسعه مالی، به طور معمول تجهیز منابع مالی و تخصیص منابع مالی با کیفیت، کمیت و کارآیی بیشتري انجام می شود و دسترسی به منابع مالی با سهولت بیشتر و هزینه کمتري صورت می پذیرد. در این میان تأمین مالی پروژه هاي مختلف از جمله پروژه هاي توسعه مالی نیز با سهولت بیشتر و هزینه کمتري امکان پذیر خواهد بود. از آنجا که جذب سرمایه گذاري مستقیم خارجی و مصرف انرژي در کشورهاي در حال توسعه، توأم با گسترش حرکت اقتصادی به سمت رقابت است، لذا رشد اقتصاديِ تحقق یافته به واسطه این دو عامل، منجر به افزایش هر چه بیشتر توسعه در بازار سرمایه خواهد شد. با توجه به مطالب گفته شده این پژوهش به دنبال پاسخگوئی به این سوال است:

توسعه مالی، رقابت، تجارت و رشد اقتصادی در بازار سرمایه ایران چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟

روش انجام تحقیق

این پژوهش از نظر ماهیت توصیفی- همبستگی است و از لحاظ نوع داده های تحقیق اسناد کاوی (آرشیوی) است. به این معنی که با استفاده از اطلاعات گذشته مربوط به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و اطلاعات بازار سرمایه ایران، ارتباط میان متغیرهای مستقل و وابسته مورد بررسی قرار می گیرد. برای بررسی فرضیه­های پژوهش از مدل رگرسیون چندگانه استفاده شده است. جهت گردآوری اطلاعات مورد نیاز تحقیق از روش کتابخانه­ای استفاده می­شود. در این روش، در ابتدا با استفاده از منابع کتابخانه­ای که شامل کتب، مجلات، پایان نامه­ها، مقالات و اینترنت می­باشد؛ مطالعات مقدماتی و تدوین فصل ادبیات تحقیق و چارچوب نظری پژوهش انجام می­گیرد. در ادامه با استفاده از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران داده­های مورد نیاز برای جامعه­ی آماری تحقیق حاضر، داده­هاي ملي کشور ایران از ابتدای سال 1382 تا پایان سال 1394 به مدت دوازده سال بوده است. در تحقیق حاضر، برای تعیین نمونه­ی آماری، از رابطه یا مدل خاصی جهت برآورد حجم نمونه و نمونه­گیری استفاده نشده است. بلکه، همان طور که در قسمت جامعه آماری گفته شد، از اطلاعات اقتصادی متغیر سرمایه­گذاری خارجی، تولید ناخالص ملی، سرمایه ملی، توسعه مالی، تجارت، کیفیت محیط رقابتی، جمعیت شهری، تورم در بانک مرکزی دولت طی یک بازه زمانی دوازده سال به دلیل محدودیت در گردآوری اطلاعات بسنده شده است جهت آزمون فرضیه­های پژوهش، پس از جمع آوری داده­های مربوطه، این اطلاعات با استفاده از نرم افزار صفحه گستر اکسل پردازش شده و سپس با استفاده از نرم افزارهایExcel 2013 ،Eviews اقدام به آزمون فرضیه ها مي شود. مدل مورد استفاده در این تحقیق رگرسیون چندگانه می باشد.

یافته های تحقیق

نتایج آزمون مدل فرضیه اول تحقیق (رابطه ی توسعه مالی و رشد اقتصادی)

نگاره (1) نتایج آزمون مدل اول

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| متغیر وابسته (رشد اقتصادی) | ضرایب | انحراف معیار | آماره t | سطح معناداری(sig) |
| α (عرض از مبدأ) | -38.48444 | 5.107002 | -7.535623 | 0.0000 |
| $$LnC$$ | 0.522006 | 0.965978 | 0.540391 | 0.5894 |
| $$LnFD$$ | 0.067193 | 0.024786 | 2.710947 | 0.0071 |
| $$LnT$$ | 29.89842 | 1.712789 | 17.45598 | 0.0000 |
| LnK | 6.612254 | 0.833347 | 7.934573 | 0.0000 |
| آماره F فیشر(سطح معنی­داری) |  (0.000000) | آماره دوربین واتسن | 2.081 |
| ضریب تعیین | 0.689 | ضریب تعیین تعدیل شده | 0.654 |

قبل از آزمون فرضیه پژوهش براساس نتایج به دست آمده، باید از صحت نتایج اطمینان حاصل نمود. بدین منظور براي بررسی معناداري کل مدل از آزمون F استفاده گردید. با توجه به احتمال آماره F محاسبه شده (0.000)، می­توان ادعا نمود که مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است. با توجه به ضریب تعیین مدل برازش شده می­توان ادعا نمود، حدود 4/65 درصد از تغییرات در متغیر وابسته مدل (توسعه مالی)، توسط متغیرهای ضریب برآوردی متغیر مستقل $FD$جدول بالا نشان­دهنده رابطه معنادار میان توسعه مالی و رشد اقتصادی در سطح خطای 0.05 است. زیرا میزان p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، کمتر از 0.05 بدست آمده است. بنابراین می­توان گفت که بین توسعه مالی و رشد اقتصادی در سطح اطمینان 95% رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج آزمون مدل فرضیه دوم تحقیق (رابطه ی کیفیت رقابت و توسعه اقتصادی)

نگاره (2) نتایج آزمون مدل دوم

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| متغیر وابسته (گردش دارایی) | ضرایب | انحراف معیار | آماره t | سطح معناداری(sig) |
| α | 2.588653 | 0.273745 | 9.456436 | 0.0000 |
| C | 0.000911 | 0.001728 | 0.527209 | 0.5985 |
| LnFD | -0.209003 | 0.048814 | -4.281629 | 0.0000 |
| LnT | -0.741063 | 0.089541 | -8.276197 | 0.0000 |
| LnE | 0.250005 | 0.078829 | 3.171485 | 0.0017 |
| LnUR | 1.270325 | 1.400020 | 0.907362 | 0.3649 |
| آماره F فیشر(سطح معنی­داری) |  (0.000000) | آماره دوربین واتسن | 1.889 |
| ضریب تعیین | 0.612 | ضریب تعیین تعدیل شده | 0.546 |

قبل از آزمون فرضیه پژوهش براساس نتایج به دست آمده، باید از صحت نتایج اطمینان حاصل نمود. بدین منظور براي بررسی معناداري کل مدل از آزمون F استفاده گردید. با توجه به احتمال آماره F محاسبه شده (0.000)، می­توان ادعا نمود که مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است. با توجه به ضریب تعیین مدل برازش شده می­توان ادعا نمود، حدود 54/6 درصد از تغییرات در متغیر وابسته مدل (توسعه اقتصادی)، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می­شود. ضریب برآوردی متغیر مستقل $C$جدول بالا نشان­دهنده عدم رابطه معنادار میان ضریب کیفیت رقابت و توسعه اقتصادی در سطح خطای 0.05 است. زیرا میزان p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، بیشتر از 0.05 بدست آمده است. بنابراین می­توان گفت که بین کیفیت رقابت و توسعه اقتصادی در سطح اطمینان 95% رابطه معناداری وجود ندارد.

نتایج آزمون مدل فرضیه سوم تحقیق (رابطه ی بین تجارت و توسعه اقتصادی)

نگاره (3) نتایج آزمون مدل سوم

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| متغیر وابسته (توسعه مالی) | ضرایب | انحراف معیار | آماره t | سطح معناداری(sig) |
| α | 1.709319 | 0.284699 | 6.003963 | 0.0000 |
| LnY | -0.040634 | 0.035133 | -1.156595 | 0.2485 |
| LnC | -0.005513 | 0.001854 | -2.972804 | 0.0032 |
| LnT | 0.614268 | 0.070111 | 8.761332 | 0.0000 |
| LnIF | -0.174273 | 0.044993 | -3.873310 | 0.0001 |
| آماره F فیشر(سطح معنی­داری) |  (0.000000) | آماره دوربین واتسن | 1.928 |
| ضریب تعیین | 0.710 | ضریب تعیین تعدیل شده | 0.682 |

قبل از آزمون فرضیه پژوهش براساس نتایج به دست آمده، باید از صحت نتایج اطمینان حاصل نمود. بدین منظور براي بررسی معناداري کل مدل از آزمون F استفاده گردید. با توجه به احتمال آماره F محاسبه شده (0.000)، می­توان ادعا نمود که مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است. با توجه به ضریب تعیین مدل برازش شده می­توان ادعا نمود، حدود 2/68 درصد از تغییرات در متغیر وابسته مدل (تجارت)، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می­شود. ضریب برآوردی متغیر مستقل $LnT$جدول بالا نشان­دهنده رابطه معنادار میان تجارت و توسعه اقتصادی در سطح خطای 0.05 است. زیرا میزان p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، کمتر از 0.05 بدست آمده است. بنابراین می­توان گفت که بین تجارت و توسعه اقتصادی در سطح اطمینان 95% رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج آزمون مدل فرضیه چهارم تحقیق (تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی)

نگاره (4) نتایج آزمون مدل چهارم

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| متغیر وابسته (تجارت) | ضرایب | انحراف معیار | آماره t | سطح معناداری (sig) |
| Α | -191.7115 | 13.17993 | -14.54571 | 0.0000 |
| $$LnY$$ | 112.4563 | 11.27160 | 9.976965 | 0.0000 |
| $$LnC$$ | -0.459605 | 0.069671 | -6.596811 | 0.0000 |
| $$IF$$ | 51.41290 | 2.727421 | 18.85037 | 0.0000 |
| LnFDI | 15.66627 | 2.078914 | 7.535795 | 0.0000 |
| LEV (اهرم مالی شرکت) | 14.34452 | 7.272415 | 1.972456 | 0.0496 |
| آماره F فیشر(سطح معنی­داری) |  (0.000000) | آماره دوربین واتسن | 2.188 |
| ضریب تعیین | 0.482 | ضریب تعیین تعدیل شده | 0.520 |

قبل از آزمون فرضیه پژوهش براساس نتایج به دست آمده، باید از صحت نتایج اطمینان حاصل نمود. بدین منظور براي بررسی معناداري کل مدل از آزمون F استفاده گردید. با توجه به احتمال آماره F محاسبه شده (0.000)، می­توان ادعا نمود که مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است. با توجه به ضریب تعیین مدل برازش شده می­توان ادعا نمود، حدود 52 درصد از تغییرات در متغیر وابسته مدل (تجارت)، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می­شود. ضریب برآوردی متغیر مستقل $LnFDI$جدول بالا نشان­دهنده رابطه معنادار میان تجارت و توسعه اقتصادی در سطح خطای 0.05 است. زیرا میزان p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، کمتر از 0.05 بدست آمده است. بنابراین می­توان گفت که بین تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سطح اطمینان 95% رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه گیری

پژوهش­هاي علمي نشان مي­دهند که بازارهاي مالي مي­توانند نقش مهمي در رشد اقتصادي بازي کنند. سيستم کاراي مالي، سرمايه را از پس اندازکنندگان به وام گيرندگان انتقال مي­دهد و منابع را به سمت پروژه­هاي سرمايه گذاري مولد و سودده هدايت مي­کند. هر قدر بهره­وري سرمايه­گذاري بيشتر باشد، نرخ رشد اقتصاد نيز بيشتر خواهد بود (کینگ ،1993). يكي از عواملي كه در جهت دستيابي به هدف رشد پرشتاب و مستمر اقتصادي مي­تواند نقش اساسي ايفا كند، توسعه بخش مالي كشور است. بخش مالي از بازارهاي گوناگوني شامل بازار پول و سرمايه تشكيل شده است. اهميت توسعه بخش مالي كشور از آنجا نشات مي­گيرد كه بخش مالي كارآمد، نقشي اساسي در تجهيز منابع مالي براي سرمايه­گذاري، تشويق ورود و تجهيز سرمايه خارجي و بهينه سازي ساز و كار تخصيص منابع ايفا مي­كند. نظام مالي كنوني ايران يك نظام مالي محدود شده است. نظام مالي تحديد شده با كنترل­هاي بيش از حد همراه است. آزادسازي مالي با تحقق تعميق مالي و توسعه مالي موجبات آمادگي بازارهاي مالي داخلي را براي رقابت با بازارهاي مالي خارجي (چه در داخل و چه در خارج از كشور) در صورت گشايش متقابل بازارهاي مالي داخلي و خارجي به روي يكديگر، فراهم مي آورد. آزادسازي مالي، تمامي اجزاي نظام مالي (اعم از بازارهاي مالي، نهادهاي مالي و سياست­هاي پولي، مالي و ارزي) را در برميگيرد. البته براي اجراي آزادسازي مالي راهبرد بهينه منحصر بفردي وجود ندارد و کشورها مي­توانند با توجه به ساير ابعاد اقتصادي خود الگوي مناسب خود را بازسازي کنند . همچنین نظام مالي ايران يك نظام مالي بسته است؛ به اين معنا كه ارايه دهندگان خارجي خدمات مالي امكان حضور در ايران و ارايه خدمات مالي به ايرانيان در شرايط برابر با ارايه دهندگان داخلي خدمات مالي را ندارند. گشودن بازارهاي مالي داخلي به روي خارجيان پس از آزادسازي مالي موفقيت­آميز، نه تنها به جذب عناصر اقتصاد جهاني در داخل مي­انجامد، بلكه زمينه حضور ارايه دهندگان داخلي خدمات مالي را در بازارهاي بين المللي تجارت خدمات مالي فراهم كرده و گامي به سوي توسعه صادرات نيز باشد. از طرفی مطالعه و پژوهش در رابطه با عوامل اثرگذار بر روند رقابتی در بازار به عنوان یک مساله اقتصادي و اجتماعی مطرح گردید. اغلب محققان بر این باورند که عواملی نظیر رشد اقتصادي، مصرف انرژي، تجارت خارجی و رشد جمعیت نقش تعیین کننده­اي در گسترش کیفیت رقابت دارند؛ که در این میان، رشد اقتصادي یکی از عوامل مهم در خصوص منبع و منشأ اثرات کیفیت رقابت معرفی شده است؛ زیرا افزایش رشد اقتصادي علاوه بر استخراج بیشتر از منابع طبیعی، و افزایش سرمایه­گذاری و توسعه مالی در پی دارد که همین امر موجب بالا رفتن فضای رقابتی در بازار سرمایه می گردد(مهدوی و بابایی،1394).

براساس تئوري ریبسینزکی، تجمع سرمایه انسانی باعث رشد صنایع و در نتیجه رشد سرمایه هاي فیزیکی، و منجر به افزایش رشد اقتصادی میشود. بر این اساس کشورها در مراحل اولیه توسعه از طریق تجمع سرمایۀ فیزیکی رشد می کنند و در مراحل بعدي توسعه به وسیلۀ اکتساب نیروي انسانی کارآمد به رشد خود ادامه میدهند. بنابراین با تجمع سرمایه در مراحل اولیۀ توسعه اقتصادي نیز افزایش می یابد و با رشد درآمد سرانه و حرکت اقتصاد از بخش صنعتی به خدماتی و استفاده از نیروي انسانی به جاي سرمایه، رقابت نیز افزایش می یابد. از سوي دیگر، رویکرد خوشبینانه در ارتباطِ بین تجارت و رقابت معتقد است که افزایش تجارت، کیفیت رقابت را در کشورهاي درحال توسعه ارتقا می بخشد. طرفداران این دیدگاه معتقدند تجارت آزاد از طریق تخصیص و مصرف کارآمدتر منابع، به کشورها اجازه می دهد که در تولید کالا و خدماتی که در آن داراي مزیت هستند، تخصص یافته و از این رو، میزان تولید را به ازاي سطوح مشخص انرژي و مواد حداکثر سازند. این استدلال بر توانایی تجارت آزاد در افزایش منابع مالی در دسترس براي حفاظت از محیط زیست، از طریق ارتقاي ظرفیت تولید، تاکید دارد و به عنوان توجیهی براي فرضیه منحنی زیست محیطی کوزنتس مطرح است(تسکین و زعیم،2000). در نهایت مطالعات انجام شده در سال هاي اخیر عامل توسعه مالی را به عنوان یکی دیگر از عوامل مؤثر بر کیفیت رقابت و توسعه مالی و اقتصادی در بازار سرمایه کشورها معرفی می کنند. در این میان تأمین مالی پروژه هاي مختلف از جمله پروژه هاي صنعتی و زیست محیطی نیز با سهولت بیشتر و هزینه کمتري امکان پذیر خواهد بود. همچنین باید به این نکته نیز توجه داشت، آز انجا که جذب سرمایه گذاري مستقیم خارجی و مصرف انرژي در کشورهاي در حال توسعه، توأم با انتشار آلاینده هاي زیست ممنجر به تخریب بیشتر محیط زیست خواهد شد. نتايج پژوهش نشان داد:

که بین توسعه مالی و رشد اقتصادی، بین تجارت و توسعه اقتصادی و بین تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رابطه معناداری وجود دارد که با نتایح کسب شده از پژوهش‌های ازتورک و اکروسی (2013)، شاهباز و همکاران (2013)، کانکسو و ینگ (2012)، جلیل و فریدون (2011)، ژنگ (2011)، ایواتا و همکاران (2010) مشابهت دارد و بین کیفیت رقابت و توسعه اقتصادی رابطه معناداری وجود ندارد که با نتایج کسب شده از پژوهش‌های تورک و اکروسی (2013)، ژنگ (2011)، ایواتا و همکاران (2010) مغایرت دارد.

پیشنهادات تحقیق

1. بورس اوراق بهادار به عنوان يک نهاد ناظر نسبت به رتبه‌بندي و گزارش‌گري وضعيت شرکت‌هاي فعال در زمينه اطلاعات مشتريان و محصولات و خدمات، در بخش گزارش عملكرد اجتماعي اقدام كنند تا كيفيت افشا از نظر موضوع، براي استفاده‌کنندگان از گزارش‌ها و اطلاعات ارائه شده از سوي بورس اوراق بهادار بهبود يابد.
2. با توجه به نتايج حاصل از اين پژوهش و عدم اجراي حسابداري و گزارشگري اجتماعي به صورت مستقل و مشخص توسط شرکت‌ها، اين امر سبب كتمان بسياري از حقايق موجود در شركت‌ها در زمينه عملکرد آن‌ها در ابعاد مالي و رقابتي مي شود. بنابراين به سازمان بورس اوراق بهادار و هيئت استانداردگذاري حسابداري پيشنهاد مي‌شود، شركت‌ها را از نظر افشاي اطلاعات زیستیو اجتماعي ملزم نمايند.
3. بررسي تاثير تغييرات قوانين بورس اوراق بهادار بر ابعاد افشاي عملکرد اجتماعي و شرایط رقابتی شرکت‌ها نيز مي‌تواند موضوع تأثيرگذاري باشد.

محدودیت های تحقیق

تحقیقات علمی و پژوهشی غالباً با محدودیت­هایی مواجه است که به ثبات و روایی یافته­های پژوهش لطمه می­زند و تعمیم پذیری آن را دچار مشکل می­سازد. توجه به این محدودیت ها می تواند ذهن خواننده را در برداشت از نتایج و تعمیم آن به نتایج مشابه، آماده سازد. تحقیق حاضر نیز از این موارد مستثنی نبوده و از جمله محدودیت های حاکم بر آن می­توان به موارد زیر اشاره نمود:

1-پیشنهاد می‌شود که سازمان بورس اوراق بهادار تهران، قوانین و مقرراتی را اتخاذ کند که تا در صورت امکان بتواند میزان واقعی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها را در طول سال‌های متمادی فعالیتشان اندازه‌گیری و مشخص نمايد.

 2-براساس یافته‌های پژوهش حاضر، به سرمایه گذاران و فعالان بازار سرمایه پیشنهاد می شود که هنگام اتخاذ تصمیمات سرمایه گذاری در کنار سایر متغیرهای مالی به گزارشگری مسئولیت اجتماعی نیز توجه نموده و در مدل های تصمیم گیری خود لحاظ نمایند.

**منابع**

1. آذر، عادل و مومني، منصور. (1387). تشریح مسائل آمار و کاربرد آن در مدیریت جلد اول نشر بازتاب 304
2. آذر، عادل. مومني، منصور.(1380). آمار و کاربرد آن در مديريت ج.2. سازمان مطالعه و تدوين کتب علوم انساني دانشگاهها
3. آذربایجانی، کریم، مرادپور، اولادي، مهدي و نجفی، زهرا. (1393). آزاد سازي تجاري و سرمایه انسانی بر رشد
4. بازمحمدي، حسین. (1383). اصلاح ساختار نظام بانکی در راستاي ساماندهی بازار هاي مالی رسمی در جمهوري اسلامی ایران، پژوهشکده پولی و بانکی
5. برقی اسکویی، محمد مهدی. فلاحی، فیروز. ژنده خطیبی، صونا.(1391). تاثیر تولیدات کارخانه‌ای و سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر انتشار گاز CO2 در کشورهای عضو گروهD8. فصلنامه مدلسازی اقتصادی .6 (20). 109-93.
6. بلالی،حمید. زمانی، امید. یوسفی، علی.(1392). رابطه رشد اقتصادی و آلودگی زیست محیطی در بخش نفت با تاکید بر نوسانات قیمت آن (مطالعه موردي اقتصاد ايران). فصلنامه برنامه ریزی و بودجه 18 (3) .66-49
7. پهلوانی، مصیب. دهباشی، مهدیه. مرادی، ابراهیم. (1393). بررسی تأثير توسعة تجارت و رشد اقتصادي بر کيفيت محيط زیست در ایران.فصلنامه تحقیقات اقتصادی.49(3).482-463.
8. ترابی، تقی. محمدزاده اصل، نازي.(1389). جهانی شدن، سرمایه گذاري خارجی و انتقال تکنولوژي، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
9. جعفری صمیمی، احمد. احمدپور، سیدمحی‌الدین.(1390). بررسی رابطه شاخص عملکرد رقابتی و رشد اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته. پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران.1 (1).72-55.
10. Copeland; R. Taylor,M . (2004). Trade, Growth, and the Environment.42(1).7-71
11. Alam, S. Fatima, A. Butt, M S. (2007). “Sustainable Development in Pakistan in the Context of Energy Consumption Demand and Environmental Degradation”, Journal of Asian Economics, 18\_(5), pp. 825-837.
12. Berkes, F. (1989). Common property resources: Ecology and community-based sustainable development. London: Belhaven Press. pp. 48-55.
13. Chen, Z. Yuxiang, K. (2010). “Financial Development and Environmental Performance: Evidence from China”,Journal of Environment and Development Economics, 16, pp. 1-19
14. Development, Economic Growth in Belgium; Explorations in Economic 4057-4063.
15. Developments Matter for Environmental Degradation? Evidence from Transitional Economic Review, 19\_(3), pp. 381-392.
16. Grossman, G. and Krueger, A.\_B. (1991). “Environmental Impact of a North American Free Trade Agreement”, Combridge,National Bureau of Economic ResearchWorking Paper
17. Grossman, G., Kreuger, A.B.,( 1995).Economic growth and the environment.
18. Han S., Zhu J. (2011). Research on the Dynamic Relationship of the Energy-Economy-Environment (3E) System-Based on an Empirical Analysis of China. journal of Energy Procedia, 5(1), 2397–2404.
19. Herath, S. (2010). The Size of the Government and Economic Growth:An Empirical Study of Sri Lanka, SRE- Discussion Papers, 2010/05. WU Vienna University of Economics and Business, Vienna, History, 43, 13-38.
20. Iwata, H. Okada, K. Samreth, S. (2010). Empirical study on the environmental.
21. Jalil, A. Feridun, M. (2011). "The impact of growth, Energy and financial evelopment on the environment in China: A cointegration analysis." Energy Economics 33: 284-291.

Abstract

One of the main goals of all economic systems is the realization of economic growth and development. In this regard, different patterns of economic growth, especially neo-classical growth patterns, differ in economic performance of countries due to differences in economic factors such as capital (physical and human) and productivity, but the difference in the accumulation of capital and productivity is rooted The factors that institutionalist economists introduce is the institutional structure of each country. Today, in addition to the financial information provided, different groups are requesting additional information in the field of non-financial information. These groups are demanding different information on the workforce and related issues of financial development and competition. To do business related to these issues by companies, and expose it to users, imposes costs on companies, and brings benefits to them.
Purpose: The purpose of this study was to investigate the relationship between changes in the level of disclosure of competitive issues and financial development, on the indicators of profitability, and the assessment of macroeconomic and stock market factors on corporate social responsibility.
Methodology: This research was conducted using descriptive method using extracted data from financial statements for the years 2003 to 2016. Findings: To test the hypotheses, the multiple regression model was used in the form of panel data and analyzed by constant effects method. The results of the hypothesis test showed that there is a meaningful relationship between financial development and economic growth, between trade and economic development and between trade and direct investment. Also, the results of the research showed that there is no significant relationship between competition and economic development.

Keywords: financial development, economic growth, trade, competition.

1. . Taskin [↑](#footnote-ref-1)
2. . Zaim [↑](#footnote-ref-2)